

# A Scientific, Jurisprudential Study of the Anatomy of a Muslim Dead Body

## ARTICLE INFO

### Article Type

Analytical Review

### Aurhors

Reza allahDadi,<sup>1</sup>

Mohsen Puormohammad,<sup>2</sup>

Dr. Seyyed Mohsen

Hoseini Dehnavi,<sup>3</sup>

Nikzad Isazadeh<sup>4\*</sup>

### How to cite this article

Nikzad Isazadeh, A Scientific, Jurisprudential Study of the Anatomy of a Muslim Dead Body, 2020:5(1): 16-22

## ABSTRACT

One of the medical issues related to jurisprudence, regarding Sharia justifiability, is dissecting cadaver for medical education. Teaching and learning all sciences and techniques, including medicine, is certainly necessary for human beings. On the one hand, dissection of the human cadaver is an introductory course in medical education and on the other hand respecting a Muslim dead body like the live individual is imperative and irreverence for a Muslim, whether live or dead, is forbidden -haram- in Islamic thoughts. The essential question is how to maintain the respect for the Muslim dead body and meanwhile help improve and develop medical education and its related fields in Islamic community by having permission to dissect the dead body of Muslims. In the present article it is attempted to discuss and analyze the opinions of some of the great religious scholars in the past and those of the contemporary religious authorities. Furthermore, Fatwa of the Supreme Iranian Leader Ayatollah Khamenei is also quoted here. In conclusion, religious scholars of Islam have emphasized on the respect for the Muslim dead body and have declared that non-Muslim bodies should be dissected in medical education.

**Keywords:** Anatomy, Dissection, Medical Jurisprudence, Islamic medication.

<sup>1</sup>Reza allahDadi: Faculty member of Kerman University of Medical Sciences <sup>2</sup>

Dr. Mohsen Pourmohammad: Assistant Professor, Faculty member of Guilan University of Medical Sciences <sup>3</sup> Dr. Seyyed Mohsen HoseiniDehnavi: Assistant Professor, Faculty member of Kerman University of Medical

<sup>4</sup> Dr. NikzadIsazadeh\*:Associate professor of Researches Center of Quran, Hadis and Medicine - Tehran University of Medical Sciences,Tehran, Iran.

\* Correspondence:

Address: Tehran University of Medical Sciences,Tehran, Iran.

Phone:

Email: n-iesazadeh@tums.ac.ir

### Article History

Received: 2020/04/08

Accepted: 2020/07/12

ePublished: 2020/08/11

## بررسی علمی، فقهی «تشریح جسد میت مسلمان»

رضا الله دادی

عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان،

محسن پور محمد

استادیار عضو هیئت علمی دانشگاه علوم پزشکی گیلان،

سید محسن حسینی دهنوی

استادیار و عضو هیات علمی دانشگاه علوم پزشکی کرمان

نیکزاد عیسی زاده\*

دانشیار مرکز تحقیقات علوم قرآن، حدیث و طب - دانشگاه علوم پزشکی تهران

### چکیده

یکی از موضوعات پزشکی که به لحاظ جواز یا عدم جواز شرعی آن به علم فقه ارتباط دارد، تشریح جسد میت برای آموزش‌های پزشکی است. تعلیم و تعلم همه‌ی علوم، معارف و فنون، از جمله علوم پزشکی لازم و ضروری است. از یک سو تشریح جسد میت از مقدمات علم پزشکی محسوب می‌شود و از سوی دیگر از نظر اسلام، مرده‌ی مسلمان همانند زنده‌ی آن قابل احترام بوده، هتک حرمت و بی‌احترامی نسبت به فرد مسلمان، چه زنده و چه مرده آن، حرام است. سؤال اساسی آن است چگونه می‌شود هم حرمت و احترام پیکر مسلمان را پاسداشت و هم با تشریح جسد میت مسلمان، به پیشرفت پزشکی، رشد و گسترش علوم مربوط به آن در جامعه‌ی اسلامی کمک کرد؟ در این مقاله، نظرات برخی از علمای بزرگ در گذشته و برخی از مراجع تقلید معاصر را مورد بحث و بررسی قرار داده و استفتاء و نویسندگان مقاله از مقام معظم رهبری در موضوع فوق نقل می‌گردد. در مجموع نظر علمای اسلام بر این است که با احترامی که پیکر مسلمان دارد باید برای تشریح از جنازه غیر مسلمان در علم پزشکی بهره جست.

کلید واژه ها: تشریح جسد، کالبد شکافی، فقه پزشکی، پزشکی اسلامی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۱/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۴/۲۲

\*نویسنده مسئول: iesazadeh@tums.ac.ir

### مقدمه

یکی از ویژگی‌های مهم شریعت جاودانه اسلام، برخورداری از قواعد جامع و آموزه‌های ارزشمندی است که بر پایه آن می‌توان ضمن تبیین احکام مختلف مکلفین در روابط فردی و اجتماعی، نظام‌های فقهی مورد نیاز جامعه را تدوین و ارائه نمود. میراث ارزنده فقهی ما، نشانگر ظرفیت بی‌مانند اسلام و پویایی این قواعد و آموزه‌هایی است که با همت و دقت فقیهان ژرف‌اندیش فراهم آمده است. یکی از عرصه‌های پر ابتلا و با اهمیت علوم، حوزه پزشکی با قلمرو وسیع آن است. قلمرویی که مرزهای آن با پیشرفت‌های سریع و فناوری‌های شتاب‌زا، روز بروز گسترش می‌یابد؛ و بر حجم پرسش‌های دقیق و مسائل خرد و کلان آن افزوده می‌گردد که در عین حال باید حکم شرعی آن نیز مشخص باشد؛ به‌عنوان نمونه احکام بیماری‌ها به‌ویژه بیماری‌های مُسری، درمان و معالجات، جراحی‌های ترمیمی و زیبایی، آزمایش‌ها و تحقیقات پزشکی، پزشکی قانونی، پیوند اعضا، داروها و تکنولوژی‌های نوین، سلول‌های بنیادین و انواع باروری‌ها در زمره مسائل و مباحث بحث‌برانگیز این حوزه‌اند، که ما در اینجا به بررسی جواز علمی و فقهی تشریح جسد مسلمان در حکومت اسلامی می‌پردازیم.

تشریح به معنای جدا کردن عضوی از اعضای بدن افراد مرده یا شکافتن جسد آن‌ها برای آموزش و تحقیقات پزشکی، کشف جرایم، کشف علل بیماری‌های ناشناخته و دستیابی به شیوه‌ی درمان بیماران در قلمرو پزشکی از سابقه‌ی طولانی برخوردار است؛ لیکن به لحاظ فقهی از مسایل جدید و مستحدثه به حساب می‌آید؛ لذا در روایات و سخنان فقهای گذشته با عنوان کالبدشکافی یا تشریح طی چندین مطلبی ذکر نشده است.

در ایران، عمل کالبدشکافی برای اولین بار از دوران ناصرالدین‌شاه، به‌منظور تشخیص علت مرگ در مورد یکی از استادان رشته مهندسی، دعوت شده از اتریش صورت گرفت. تشریح جنایی و مسائل پیرامونی آن در فقه امامیه از مباحث نو پیداست که حاصل پیشرفت‌های علمی بشر در ابعاد مختلف تحقیقات پلیسی و مانند آن است که مباحث فقهی آن به پژوهش‌های عمیق و فراوانی نیاز دارد. در عین حال برخی از ابعاد تشریح و تقطیع جسد، مانند حفظ جان مادر در فرض مرگ جنین و بالعکس، در حدیث و فقه شیعی از دیرباز مطرح بوده است.

در عصر شکوفایی علمی مسلمانان، تشریح، جایگاه رفیعی یافت. افزون بر «قانون بوعلی» و «حیات الحیوان دمیری»، نمونه‌های شگفت‌آوری از جراحی با بی‌حسی، Anesthesia و نیز نای‌بری، تراکتومی Tracheotomy و نای‌شکافی تراکتوستومی tracheostomy، که در پزشکی به یک عمل جراحی گفته می‌شود که طی آن نای در قسمت زیر گلو، برش داده می‌شود و تغذیه بیمار از طریق لوله، در کارنامه طب مسلمانان در قرن دوم و سوم هجری ثبت گردیده است.

### ضرورت بحث

آنچه ضرورت این بحث را ایجاب می‌کند، نیاز روزافزون جامعه پزشکی به تشریح جسد و کشف امراض و علل بیماری‌ها برای نجات جان انسان‌ها از باب ضرورت و قاعده فقهی اهم و مهم می‌باشد. از سوی دیگر، در برخی از موارد دسترسی به جسد غیر مسلمان همراه با عُسر و حَرَج بوده و مشقاتی را در پی دارد که اگر بر تشریح جسد غیر مسلمان اکتفا شود کار تعلیم و تعلم بر زمین مانده و مفاسدی را در برخواهد داشت. همچنین حکم کالبدشکافی در کشف جرم، یعنی تشریح اعضا به جهت تشخیص هویت، شناسایی علت مرگ یا میزان تأثیر جنایت در حدوث آن، ضرورت دارد. در نتیجه سؤال اساسی این است که آیا شکافتن بدن میت برای اغراض مهمی همچون آموزش پزشکی، کشف بیماری‌ها و امراض، بی‌جویی جرم و شناسایی جنایت جایز است یا خیر؟ طبعاً، پاسخ به این پرسش، نیازمند طرح مباحث مقدماتی و فروعاً مهمی است که در ادامه بیان می‌گردد.

### سابقه‌ی تشریح در فقه

در خصوص تشریح به معنای بیان چگونگی اعضای درونی و بیرونی استخوان‌ها و پیوند اعضا در رگ‌ها و عصب‌ها که اصطلاح دیگری در تشریح است، روایات فراوانی از پیشوایان معصوم علیه‌السلام وارد شده است. از جمله مرحوم علامه مجلسی در بحارالانوار در

۱. آنستزی در لغت به معنای بی‌دردی است. برای کاهش درد عمل جراحی از روش‌هایی استفاده می‌شود که به آن‌ها آنستزی Anesthesia می‌گویند. مسئولیت کاهش حس درد در اطاق عمل به عهده متخصص بیهوشی آنستزیولوژیست Anesthesiologist است. بیهوشی فقط یکی از راه‌های بی‌درد کردن بیمار است و میتوان بدون بیهوش کردن بیمار هم درد وی را از بین برده و عمل جراحی را انجام داد.

۱. تشریح جسد مسلمان جهت صرفه‌جویی در بودجه و خرید یا مشقت دسترسی و یافتن جسد غیر مسلمان.

۲. تشریح جسد مسلمان در صورت وصیت خود شخص مسلمان.

۳. تبعیت از احکام فوق آیا صرفاً برای مقلدین حضرت‌عالی می‌باشد یا به‌عنوان حکم حکومتی محسوب می‌گردد؟»

دفتر مقام معظم رهبری در پاسخ چنین مرقوم داشته‌اند:

«بسمه‌تعالی.

۱. لازم است تا آنجا که استفاده از جسد غیر مسلمان امکان دارد از جسد مسلمان استفاده نشود و صرف آنچه ذکر شد مجوز تشریح جسد مسلمان نمی‌شود.

۲. در حکم مذکور فرقی بین مورد وصیت و غیر وصیت وجود ندارد.

۳. آنچه بیان شد فتواست. (۸)

در تحریر الوسیله امام خمینی ره آمده است:

«تشریح میت مسلمان جایز نیست و اگر تشریح شود برای قطع سر یا جوارح او هرکدام دبه‌ی معینی است که در باب دیات ذکر کرده‌ایم؛ لیکن تشریح مرده‌ی غیر مسلمان خواه کافر ذمی باشد یا خیر جایز است و دبه یا گناهی بر آن مترتب نیست.» (۹)

فتوای آیت‌الله سیستانی در این زمینه چنین است:

«مسأله ۲۸۵۳: اگر حفظ جان مسلمانی متوقف بر کالبد شکافی دیگری باشد، چنانچه ممکن باشد کفاری را که خونش محترم نیست یا مشکوک است و اگر ممکن نشد کفاری غیر از او را کالبد شکافی نمایند و اگر این نیز ممکن نبود کالبد شکافی مسلمان جایز است. و کالبد شکافی مسلمان برای آموزش و غیره جایز نیست مگر اینکه حفظ جان مسلمانی «هرچند در آینده» بر آن متوقف باشد.» (۱۰)

آیت‌الله خوبی نیز می‌نویسند:

«تشریح جسد میت مسلمان جایز نیست و به تفصیلی که در باب دیات ذکر کرده‌ایم مستلزم دبه نیز می‌باشد.» (۱۱)

آیت‌الله گلپایگانی نیز اظهار داشته‌اند:

«تشریح مرده‌ی مسلمان حرام است، اگرچه برای یادگرفتن باشد و قطع اعضای آن، دبه دارد ولی تشریح مرده‌ی غیر مسلمان جایز بوده و دبه ندارد.» (۱۲)

آیت‌الله مکارم نیز تشریح مرده مسلمان برای مقاصد طبی به چند شرط جایز می‌داند:

۱. مقصود یادگرفتن و تکمیل اطلاعات طبی برای نجات جان مسلمان بوده باشد و بدون تشریح این مقصود حاصل نشود.

۲. دسترسی به مرده غیر مسلمان نباشد. ۳. به مقدار ضرورت و احتیاج قناعت کند و اضافه بر آن جایز نیست. با چنین شرایطی تشریح جایز بلکه واجب است. اما در مورد غیر مسلمان این شرایط لازم نیست.» (۱۳)

### بررسی دلایل فقهی حرمت تشریح

عمدتاً از فتوای فقها و روایات وارده در خصوص تشریح، سه مورد به‌عنوان دلایل حرمت فهمیده می‌شود که به‌اختصار بیان می‌گردد:

۱- تشریح جسد میت مسلمان موجب هتک حرمت او است در حالی که به‌موجب ادله‌ی روایی فراوان، احترام مرده‌ی مسلمان هم چون مسلمان زنده، واجب است. از امام صادق علیه‌السلام درباره‌ی کسی که سر مرده‌ای را قطع کرد روایت شده که فرمودند: «پرداخت دبه بر او واجب است، زیرا مرده همانند زنده احترام دارد.» (۱۴)

بخشی از کتاب «السماء و العالم» در همین خصوص روایات زیادی نقل کرده است، (۱) هم‌چنین فقهای متقدم در مسأله‌ی قطع اعضای میت و وجوب پرداخت دبه نسبت به آن به پیروی از روایات مطالبی ذکر نموده‌اند که در ذیل به چند مورد از فتوای علمای قرون گذشته اشاره می‌کنیم:

سید مرتضی علم الهدی متوفای ۴۳۶ هـ ق می‌نویسد: «هر کس سر مرده‌ای (مسلمانی) را از بدن او جدا کند باید صد دینار دبه به بیت‌المال بپردازد» ولی فقهای سایر مذاهب با این فتوا مخالفت کرده‌اند، (۲). شیخ طوسی متوفای ۴۶۰ هـ ق می‌نویسد: «هرگاه کسی سر میت یا عضوی از بدن او را قطع کند که اگر زنده بود دبه‌ی کامل داشت (هزار دینار) باید صد دینار معادل دبه‌ی جنین بپردازد و به همین نسبت ده درصد در مورد هر آسیبی که به میت برساند که نسبت به زنده‌ها دبه و ارزش معینی دارد باید غرامت بپردازد. هیچ‌یک از فقهای مذاهب اهل سنت با این فتوا موافق نبوده و چیزی را واجب نکرده‌اند. از نظر شیعه این دبه برای میت است که باید آن را به نیت او صدقه داد و در راه خیر مصرف نمود؛ این دبه به ارث نمی‌رسد و به بیت‌المال نیز منتقل نمی‌شود دلیل ما در این حکم اجماع فقها و روایات است.» (۳) ابوالمکارم ابن زهری حلی متوفای ۵۸۵ هـ ق، (۴) محقق حلی متوفای ۶۷۶ هـ ق، (۵)، شهید ثانی متوفای ۹۶۵ هـ ق، (۶) و شیخ محمدحسن نجفی صاحب جواهر الکلام متوفای ۱۲۶۶ هـ ق، (۷) در مسأله‌ی فوق از همین نظر پیروی کرده و جنایت بر مرده را حرام دانسته و نسبت به آن فتوا به وجوب پرداخت دبه داده‌اند.

### تشریح از دیدگاه فقهای معاصر

مراجع و فقهای تقلید عصر ما عمدتاً تشریح بدن مرده‌ی مسلمان را جایز نمی‌دانند، مگر از باب ضرورت. مقام معظم رهبری در جواب استفتایی از ایشان چنین می‌فرماید:

«اگر نجات نفس محترمی یا کشف مطالب جدید علم پزشکی که مورد نیاز جامعه است و یا دستیابی به اطلاعاتی راجع به بیماری که زندگی مردم را تهدید می‌کند، منوط به آن باشد، تشریح جسد میت اشکال ندارد، ولی واجب است تا حد امکان از جسد میت مسلمان استفاده نشود و اجزایی هم که از جسد فرد مسلمان جدا شده‌اند، در صورتی که دفن آن‌ها با جسد، حرج یا محذوری نداشته باشد واجب است با خود جسد دفن شود و الا دفن آن‌ها به‌طور جداگانه و یا با جسد میت دیگر جایز است.» (۸)

برای رسیدن به یک پاسخ روشن و صریح، نویسندگان این مقاله نیز از مقام معظم رهبری موضوع را استفتاء نمودند، که پاسخ معظم له به آن استفتاء در ذیل تقدیم می‌گردد:

«...استحضار دارید در دانشگاه‌های علوم پزشکی اصل تشریح جسد و اعطای عضو از موضوعات مهم در حوزه آموزش پزشکی به جهت ضرورت کشف علل بیماری و نجات جان انسان‌ها می‌باشد و در موارد زیادی اعطای عضو و تشریح جسد مسلمان، روزانه در مراکز آموزش پزشکی متداول است و نظر به اینکه برخی از متخصصین حوزه پزشکی ابراز می‌دارند که جداسازی بعضی از اعضا، بیمار مرگ مغزی مانند کبد، کلیه، دست، پا، چشم و... تأثیری دراماته و یا احیاء او ندارد و یا به عبارتی موجب تسریع مرگ فرد نمی‌شود، حکم شرعی مسئله فوق در بین مردم و مقلدین حضرت‌عالی دچار ابهامات فراوانی گردیده است. لذا نظر حضرت‌عالی را در خصوص مسائل ذیل متمنی است:

مردگان به منظور تنبیه، مجازات و آزار رساندن به آنان می‌باشد تا موجب عبرت گرفتن دیگران گردد. (۱۶) لذا، شکافتن جسد مردگان یا قطع اعضای آنان برای رسیدن به اهداف عقلایی و شرعی مانند آن چه در تشریح پزشکی وجود دارد از موضوع مثله کردن خارج است. بنابراین، تشریح بدن میت برای مقاصد پزشکی، کشف جرم و ... نمی‌تواند مثله کردن باشد تا حکم به حرمت آن داده شود.

۳- کالبدشکافی مرده و تشریح جسد او موجب تأخیر در دفن میت می‌شود، در حالی که دفن میت واجب است و تأخیر آن برای زمان طولانی جایز نیست. وجوب تجهیز مردگان یعنی تغسیل، تکفین، نماز خواندن و تدفین اموات از مسلمات فقه اسلامی است. بر این مطلب روایات فراوانی دلالت دارد؛ شخصی از امام صادق علیه السلام در مورد جنین سقط شده سؤال نمودند که اگر از نظر خلقت کامل شده باشد آیا غسل و کفن و دفن او واجب است یا خیر؟ امام علیه السلام در پاسخ فرمودند: «در صورتی که خلقت او کامل شده باشد تمامی آن چه ذکر شده بر او واجب است» (۱۴)، در روایتی از قول امام باقر علیه السلام می‌خوانیم که رسول خدا صلی الله علیه فرمودند: «ای مردم مردی را که شبانگاه کسی را از دست داده معطل نگذارید تا روز منتظر بماند و مردی را که در روز یکی از خویشاوندانش مرده است نگذارید در انتظار شب بماند، برای به خاک سپاری مردگان شب یا روز انتظار نکشید. در نهادن آن‌ها به قبرشان شتاب نمایید خداوند شما را رحمت کند» (۱۴).

این گونه روایات بر تعجیل در تجهیز میت تأکید دارند و از ظاهر آن‌ها حکم به وجوب نیز استنباط می‌گردد که با این حساب تأخیر چند روزه در دفن میت جایز نیست مگر این که گفته شود سند این روایات به دلیل مرسل بودن، و اشمال آن بر افراد ضعیف و مجهول، ضعیف است و افزون بر آن شیخ صدوق روایت مرسلی در «من لایحضره الفقیه» از قول رسول خدا نقل کرده که آن حضرت فرمودند: «لازمه‌ی احترام به مرده سرعت در تجهیز او است» (۱۴) که این روایت دلالت بر استحباب تعجیل دارد و دستور به خاطر تکریم میت است. در صورتی تعجیل در دفن واجب می‌شود که تأخیر در دفن میت منافات با تکریم او داشته و موجب اهانت به او باشد؛ به تعبیر دیگر، احترام به مؤمن فی‌نفسه و به‌طور مطلق واجب نیست بلکه حد واجب عدم اهانت و عدم تحقیر او است. تعجیلی که فقط حالت تکریم داشته باشد مستحب است، البته اگر تأخیر موجب اهانت باشد حرام است. در نتیجه در حکم حرمت تشریح نمی‌توان به این گونه روایات استدلال نمود، به‌علاوه چنانچه تأخیر در دفن میت حرام باشد این حکم به دلیل هتک حرمت میت و بی‌احترامی به اوست که تأخیر در دفن میت به قصد بی‌احترامی و هتک حرمت او باشد نه به هر هدف و قصد دیگر.

### فروع فقهی و علمی این بحث

#### ۱. توقف حفظ جان انسان زنده بر تشریح جسد

چنانچه زنده ماندن فردی متوقف بر این باشد که بدن مرده شکافته شود یا اعضای مرده تقطیع گردد بدون شک این عمل جایز و بلکه واجب است. امام خمینی ره در این خصوص فرمودند: «چنان چه حفظ حیات مسلمین متوقف بر تشریح باشد و تشریح غیرمسلمانان ممکن نباشد در این صورت ظاهراً تشریح مسلمانان جایز است» (۹).

مطابق روایات پیشوایان معصوم علیه‌السلام احترامی که برای انسان در زمان حیات او وجود دارد پس از مرگ وی نیز برقرار است. هم چنان که قطع عضو، آسیب رساندن به بدن زنده و تجاوز به او هتک حرمت او محسوب می‌شود و موجب قصاص و دیه می‌گردد پس از وفات وی نیز صدمه رساندن، قطع عضو و تشریح جسد او، بی‌احترامی و هتک حرمت محسوب می‌شود و موجب پرداخت دیه می‌گردد. در روایتی نیز از قول امام صادق علیه‌السلام آمده است که: «جدا کردن سر مرده از بریدن سرزنده بدتر است» (۱۴) به‌موجب این گونه روایات قطع یک عضو از اعضای میت مسلمان حرام است تا چه رسد به این که او را قطعه قطعه کند و کالبدشکافی نمایند از این جهت فقها حکم به حرمت تشریح جسد میت داده‌اند. همان‌طور که از روایات این باب و فتاوی فقها مشخص می‌باشد، مطلق تشریح جسد میت موضوع حرمت نیست، زیرا در آن صورت می‌بایستی به‌طور کلی تشریح جسد حرام و ممنوع باشد چه جسد مسلمان و چه جسد کافر؛ بلکه موضوع حکم حرمت، تشریح جسد مسلمان است آن‌هم از این جهت که موجب هتک حرمت مسلمان می‌گردد یعنی تشریح جسد میت مسلمان، از این جهت حرام است که موجب هتک حرمت او می‌شود.

حال در این که آیا تشریح جسد میت به‌طور کلی به هر هدفی که انجام گیرد هتک حرمت به حساب می‌آید و بی‌احترامی به او محسوب می‌شود یا این که صرفاً در صورتی موجب هتک حرمت می‌گردد که این عمل به قصد بی‌احترامی و اهانت یا جنایت به میت باشد؟

در اصطلاح فقهی، تحقق عنوان هتک حرمت از عناوین قصدیه است، در نتیجه اگر هتک حرمت انسان از عناوین قصدیه باشد، یعنی در صورتی حرمت تحقق پیدا می‌کند، که شخص قصد بی‌احترامی و هتک حرمت داشته باشد. و هدفش از قطع عضو میت یا تشریح جسد او جسارت و توهین باشد. اما چنانچه این عمل به قصد معقول و عقلایی باشد مثلاً برای آموزش پزشکی یا کشف جرم توسط پزشکی قانونی، از مصادیق هتک حرمت به حساب نمی‌آید؛ بنابراین، تشریح جسد مسلمان برای اهداف عقلایی حرام نمی‌شود.

۲- تشریح جسد میت مثله کردن است. بعضی از فقها تشریح میت را در حکم مثله کردن دانسته و از این جهت نیز قائل به حرمت عمل گشته‌اند، زیرا روایات برنهی از مثله کردن صراحت دارد و نهی هم بر تحریم دلالت می‌کند. از جمله در وصیت امیرالمؤمنین علیه‌السلام به فرزندش امام حسن مجتبی علیه‌السلام به هنگامی که ابن ملجم لعنه الله علیه به سر آن حضرت ضربت وارد کرد فرمود:

«اگر من از این ضربت از دنیا رفتم، او را در مقابل این ضربت یک ضربت بزیند و مثله نکنید زیرا از رسول خدا صلی الله علیه و آله شنیدم که فرمودند: «بپرهیزید از مثله کردن هرچند سگ‌ها باشد» (۱۵)

امام صادق علیه‌السلام نیز فرموده‌اند: هرگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌خواست لشگری را به جنگ با دشمن بفرستد می‌فرمود: «با نام و یاری خدا و در راه او و بر شیوه پیامبر خدا صلی الله علیه و آله حرکت کنید، طغیان نکنید، از مثله کردن بپرهیزید، نیرنگ به کار نبرید، پیرمردان، بچه‌ها و زنان را نکشید» (۱۴) از این نمونه روایات به‌روشنی حرمت مثله کردن کفار نیز استفاده می‌شود تا چه رسد به مسلمانان؛ لیکن مطابق آن چه در کتب لغت آمده است منظور از مثله کردن، قطع اعضای

یعنی حفظ جان مسلمانان مربوط به زمان آینده است لیکن وجوب فعلی است و اگر هم منکر فعلیت وجوب شوبم علم به وجوب استقبالی آن به لحاظ عقلایی کافی است چه این که فرض مسأله به طوری است که در آینده نمی‌توان اقدام به ایجاد مقدمات تکلیف کرد.

۴- اگر شخصی وصیت کند که بعد از مرگش جسد او را در اختیار دانشگاه‌های علوم پزشکی جهت تشریح قرار دهند چنین وصیتی در نظر اکثر از فقها جایز نبوده و از دیدگاه آنها خلاف حکم الهی است. زیرا همان طور که ذکر شد فلسفه‌ی حرمت کالبدشکافی و تشریح اعضا، مراعات حق میت است و این که حرمت او هم چون حرمت زمان حیات اوست و وصیت نسبت به تشریح جسد بعد از فوت نافذ نمی‌باشد.

۵- هر اقدامی که پس از وصیت میت و اذن او جایز باشد، انجام آن به امر ولی امر مسلمانان به اعتبار ولایتی که بر مسلمانان دارد جایز، بلکه واجب می‌باشد. هرگاه حاکم اسلامی با رعایت مصالح امت به این نتیجه برسد که از تشریح جسد پیشرفتی در علوم پزشکی در کشور اسلامی حاصل می‌شود، اجازه‌ی او نافذ است و بلکه لازمه‌ی ولایت، چنین چیزی است؛ زیرا ولی امر مسلمین هرگاه مصلحت بداند که عملی انجام گیرد لازم است آن کار انجام پذیرد، (۱۹)

#### ۶- حکم دیه در تشریح

اگر کسی اقدام به تشریح حرام نماید، قطعاً مشمول ادله‌ی وجوب دیه می‌گردد. اما در صورت جواز تشریح از مباحثی که مطرح گشت معلوم شد که مبنای جواز به دو صورت است: یکی این که، مبنای جواز تشریح، اذن یا دستور ولی فقیه باشد که آن هم بستگی به کیفیت اذن دارد که اگر دستور ولی فقیه اقتضای مجانی بودن را هم داشته باشد به همان ترتیب عمل می‌شود، در غیر این صورت وجوب پرداخت دیه به قوت خود باقی است. دوّم این که مبنای جواز تشریح اضطرار و توقف حفظ حیات انسان به آن باشد. در این حالت، اضطرار صرفاً منع تکلیفی را برطرف می‌کند ولی با تعلق دیه که یک حکم وضعی و عوض مالی بوده، و در مقابل جرح و قطع عضو است، منافات ندارد؛ لذا پرداخت دیه در این صورت نیز واجب است.

میزان پرداخت دیه‌ی تشریح چنان که در روایات ذکر شده و سخنان فقها به آن اشاره گردید یک دهم دیه‌ی کامل است، یعنی به نسبت هر عضوی که برای افراد زنده دیه تعیین شده باشد یک دهم آن مقدار است. امام خمینی ره نیز در مورد مصرف این دیه بیان داشته‌اند: باید این دیه را در وجوه خیر به نیت میت مصرف کرد و به ورثه نمی‌رسد و در این حکم فرقی بین زن و مرد و کوچک و بزرگ نیست بلکه ظاهراً پرداخت دیون میت به وسیله‌ی آن جایز است، (۹)

غیر از ادله‌ی ای که بیان شد می‌توان برای جواز تشریح جسد مسلمان به امور ذیل نیز تمسک جست:

#### ۱. حکم تکلیفی ثانوی

وجود ضرورت و تراحم در حکم و پیش آمدن برخی مصلحت‌ها سبب رفع حکم اولی تشریح که حرمت است می‌شود، و حتی در مواردی، نه تنها موجب جواز بلکه وجوب تشریح می‌گردد.

#### ۲. تعلم و کارآموزی

در این قسم از تشریح، فقهای معاصر اختلاف نظر دارند. طبق نظر برخی از فقها، تشریح برای یادگرفتن، بدون آنکه زندگی مسلمانی به آن وابسته باشد، جایز نیست و موجب دیه است.

در روایتی از قول امیرالمؤمنین علیه‌السلام آمده است که آن حضرت فرمودند:

«اگر زنی بمیرد و در شکم او طفلی باشد که حرکت می‌کند و خوف تلف شدن او می‌رود شکم زن شکافته می‌شود و کودک خارج می‌گردد».

و نیز درباره‌ی زنی که فرزندش در شکم او می‌میرد و بیم خطر برای مادر وجود دارد فرمودند:

«در صورتی که زنان کمک نکنند مرد می‌تواند دست خود را داخل رحم کرده و کودک مرده را قطعه قطعه نموده و خارج سازد»، (۱۷)؛ (۱۸)

حکم به جواز شکافتن بدن مرده یا تقطیع اعضای جسد او در صورتی است که نتوانیم سلامتی او را با به کار بردن شیوه‌های نوین پزشکی نجات دهیم وگرنه این عمل جایز نیست و در صورت ضرورت و نیاز تا آن جا که امکان دارد بایستی راهی را انتخاب کرد که کم‌ترین آسیب و ضرر را داشته باشد.

#### ۲- کالبدشکافی و تشریح برای کشف جرم یا اثبات نسب وارث

چنانچه مرگ کسی مشکوک باشد یا قاتل وی بین دو نفر مرده باشد مثلاً، هرگاه فردی به گلوله‌ی اسلحه‌ی یکی از دو نفر به قتل برسد و اسلحه در کنار جسد مقتول باقی بماند و از طریق شکافتن بدن و بیرون آوردن گلوله قاتل مشخص گردد بدون تردید در این صورت کالبدشکافی جایز است، چون با کشف واقعیت، اولیای دم به حقوق خود در قصاص قاتل می‌رسند. بنابراین، اگر ورثه‌ی مقتول از دادگاه چنین درخواستی داشته باشند رعایت حق ورثه با رعایت حرمت میت تراحم پیدا می‌کند؛ هرچند قصاص قاتل نیز از جهتی رعایت حرمت میت نیز به حساب می‌آید در این صورت اقدام به کالبدشکافی جایز است.

و چنانچه اثبات نسب وارث متوقف بر تشریح مرده باشد در جواز آن شکی نیست. همچنان که نقل شده است امام علی علیه‌السلام برای اثبات نسب وارث در واقعه‌ای به نش قبر و برداشتن یکی از استخوان‌های مرده دستور فرمودند، (۱۴)

#### ۳- تشریح جسد مسلمان برای آموزش‌های پزشکی

چنان چه کسب مهارت‌های لازم و تشخیص درمان پاره‌ای از بیماری‌ها از قبیل بیماری‌های مغزی و قلبی جز با تشریح حاصل نگردد و تشریح غیرمسلمان هم ممکن نباشد می‌توان حکم به جواز بلکه وجوب تشریح جسد مسلمان داد.

به طور کلی، مصادیق تجویز شده در خصوص تشریح بدن مسلمان از فروع باب تراحم است. بدین معنی که از یک سو احترام بر مرده‌ی مسلمان واجب و هتک حرمت او حرام است و از سوی دیگر حفظ جان آدمی و فراهم ساختن امری که به نگهداری جان مسلمانان می‌انجامد نیز واجب است و کوتاهی و تسامح در آن حرام می‌باشد. در اصطلاح ملاک مصلحت، یعنی نفس محترمه با ملاک مفسده یعنی تشریح مرده‌ی مسلمان، تراحم پیدا می‌کند و وجه ترجیح در این باب این است که ببینیم رعایت کدام حالت مهم تر و لازم تر است. در این جا مطابق قاعده‌ی «الأهم فالأهم» باید گفت قطعاً حفظ جان مسلمانان به مراتب مهم‌تر از حفظ حرمت جسدی جان مسلمان است، در نتیجه تشریح مسلمان جایز و بلکه واجب است و ملاک مصلحت بر ملاک مفسده تقدم پیدا می‌کند. هم چنین اگر حفظ جان مسلمانان در آینده بر تشریح مرده‌ی مسلمان در زمان حاضر متوقف باشد، احتمال جواز یا وجوب تشریح نیز وجود دارد، و ملاک اهمیت حفظ نفس محترمه در این فرض نیز موجود است، و گرچه تکلیف واجب،

ادله جواز علمی تشریح از نگاه متخصصین حوزه های درمانی و قضایی بوده، در حالیکه این مسئله در تعارض با احکام فقهی است. با موشکافی در ادله فقهی مبنی بر تحریم تشریح جسد مسلمان، میتوان به نوعی به انصراف آنها به تشریح توأم با هتک حرمت، جنایت، عداوت و انتقام جویی قائل گردید و با تکیه بر دید عرفی و منافع عقلایی در کالبد شکافی جنایی، حکم فقهی تشریح از نگاه اکثر فقها مشروط به عدم دسترسی به جسد غیر مسلمان می باشد. اما به هر حال، به واسطه عناوین ثانوی می توان حکم اولیه تحریم تشریح را در ارتباط با کالبدشکافی تخصیص زد، چراکه: حکم اولی تحریم در مقام تراحم با واجب شرعی اهم، چون نجات جان یا احقاق حق، برداشته میشود.

البته باید دانست که جهت استناد به قاعده تراحم، تشریح با مقاصد آموزش پزشکی و کالبدشکافی برای کشف حقیقت در فرضی جایز میگردد که یقین به کشف علل و جرمه این واسطه وجود داشته باشد، ولی اگر صرفاً، احتمال حصول نتیجه باشد، قطعاً جایز نخواهد بود.

به هر روی، رعایت برخی از شرایط و احکام در جواز تشریح و کالبدشکافی ضروری است؛ به طوری که عمل مذکور، باید با احراز ضرورت و اذن حاکم شرع، و به قدر رفع نیاز انجام شود و از آن تجاوز نکند و حتی وصیت شخص مسلمان مبنی بر تشریح بدن وی بعد از فوت، نافذ نبوده و چنین وصیتی از درجه اعتبار ساقط می باشد. و بر خلاف حکم الهی است. همچنین، نباید تشریح، با عمل حرام مقرون گردد.

همان گونه که گفته شد، تشریح مرده مسلمان، به عنوان حکم اولی، حرام است و لذا، موجب ثبوت دیه نیز میگردد؛ چه اینکه ملازمه ای بین سقوط حکم تکلیفی و جواز تشریح به عنوان حکم ثانوی با حکم وضعی، یعنی ثبوت دیه وجود ندارد. پس مسأله از لحاظ حکم وضعی، همچنان مشمول اطلاعات ادله است و دیه ثابت خواهد بود؛ به ویژه آنکه در احکام مخالف قاعده، باید بر خصوص مورد، اکتفاء گردد.

آری، اگر حاکم شرع، تشریح جسد مسلمان را ضروری بداند، بیت المال، خود ضامن پرداخت هزینه هایی مانند دیه می گردد، تا زمینه تحقق امر اهم، فراهم شود. البته، اگر امکان پرداخت دیه تشریح از بیت المال به ورثه میت وجود نداشته باشد و ولی امر مسلمانان در این حالت، به سبب مصالحی، اجازه دهد که میت را بدون تعهد پرداخت دیه تشریح کنند، دیه ساقط میگردد؛ زیرا ولی فقیه در اداره جامعه، در جای امام معصوم علیه السلام نشسته و هر جا مصلحت بداند، اولویت در تصرف خواهد داشت.

نکته نهایی اینکه آنچه بیان شد مربوط به آراء مراجع محترم تقلید تا این زمان است؛ با توجه به مفتوح بودن باب اجتهاد در فقه شیعه که امام خمینی ره از آن به فقه جواهری یاد کرده، و می فرمایند: "این جانب معتقد به فقه سنتی و اجتهاد جواهری هستم و تخلف از آن را جایز نمی دانم، اجتهاد به همان سبک صحیح است، ولی این بدان معنا نیست که فقه اسلام پویا نیست، زمان و مکان دو عنصر تعیین کننده در اجتهادند، مسئله ای که در قدیم دارای حکمی بوده است. به ظاهر همان مسئله در روابط حاکم بر سیاست و اجتماع و اقتصاد یک نظام ممکن است حکم جدیدی پیدا کند، بدان معنا که با شناخت دقیق روابط اقتصادی و اجتماعی و سیاسی همان موضوع اول که از نظر ظاهر با قدیم فرقی نکرده است، واقعا موضوع جدیدی شده است که قهراً حکم جدیدی می طلبد. مجتهد باید به مسائل زمان خود احاطه داشته باشد" (۲۰).

از «مفهوم» نظر یاد شده بر می آید که اگر تعلم و کارآموزی از طریق تشریح موجب بقای حیات انسان ها باشد، جایز خواهد بود. نظر برخی از فقها این است که: اگر تشریح متضمن مصلحتی قوی تر باشد، جایز است و مثلاً برای دانشجویان پزشکی که کارآموزی آنان دارای مصلحتی قویتر از مفسده تشریح است، مجاز می باشد. برخی دیگر از فقها فائند به این که، چون تشریح موجب پیشرف علمی و عزت اسلامی می باشد، جایز است.

### ۳. کشف جرم

تشریح برای کشف جرم گاهی به مواردی باز می گردد که شاکی خصوصی وجود دارد. در این صورت، برای رفع تخاصم راهی جز تشریح نیست و به نظر شماری از فقها، برای شناسایی قاتل و اجرای حکم الهی تشریح مجاز است.

### ۴. حفظ جان مسلمان

همه فقهای معاصر بر جواز این قسم از تشریح فتوا داده اند و قائلند به اینکه تشریح مرده مسلمان، حرام و موجب ثبوت دیه است، مگر آنکه ضرورت ایجاب کند، مانند آنکه نجات جان مسلمانی منوط بر تشریح باشد و امکان تشریح وجود دارد از جمله مستند فقها در این مسئله احادیثی است که بیان می کند، در صورتی که زنی باردار مرده باشد و بچه در شکم او زنده باشد، برای نجات بچه زنده شکافتن شکم جایز بلکه بنا بر روایتی از امام کاظم علیه السلام واجب است.

در حدیثی دیگر نیز آمده که اگر بچه در رحم مادر مرده باشد، برای نجات مادر جایز بلکه واجب است که جسد جنین را قطعه قطعه کنند و از شکم مادر بیرون آورند.

از این احادیث برمی آید که شکافتن شکم مرده برای نجات بچه زنده و قطعه قطعه کردن جسد بچه مرده برای نجات مادر جایز بلکه واجب است.

### ۵. قاعده اضطرار

مفهوم این قاعده که از قواعد عام فقها است، آن است که اگر انسان در حائلی قرار بگیرد که ضرورتاً برای گریز از آن حالت ناچار باشد که مرتکب به کار خلاف شرع یا قانون شود، قاعده اضطرار از چنین فرد مضطری رفع مسئولیت می کند. در مسئله تشریح برای نجات جان یک انسان، پزشک از ناحیه شرع و قانون وظیفه دارد که برای حفظ جان انسان ها کوشش کند و در صورتی که حفظ جان انسانی متوقف بر تشریح جسد مسلمان باشد، این اضطرار از پزشک رفع مسئولیت می کند.

### ۶. مرجحات باب تراحم (قاعده فقهی اهم و مهم)

مسئله تشریح از مصادیق دو حکم متراحم است؛ یعنی پزشک دو وظیفه دارد: یکی آنکه انسان زنده ای را، که مرگ تهدیدش می کند نجات دهد و دیگر آنکه به جسد مسلمان احترام بگذارد و حرمت او را هتک نکند.

وی مکلف است که تا حد امکان هر دو وظیفه را به جای آورد و در صورت عدم امکان، براو واجب است وظیفه مهمتر را که نجات یک انسان است برگزیند و مرده مسلمان را تشریح کند.

### نتیجه گیری

امروزه، ضرورت تشریح جسد در حوزه آموزش پزشکی برای کشف علل بیماری و با هدف نجات جانانسان ها و از جهت دیگر مشقت دسترسی به جسد غیر مسلمان و نیز کالبدشکافی بدن مسلمان در پرونده های جنایی، برای پی جویی انتظامی و پیگرد کیفری، از

10. Khoei A, Menhaj Al-Salehin. Matbaa Al-Adab. Najaf: 1418; (1)426.
11. Gholpayqani. Resale Tozih M. Al-Masael. Dar Al-Maaref. Qom: 1980. 487.
12. tebyan.net
13. Hor Ameli, M. Vasail Al-shie. daro- Ehya Al-Tarath Al-Arabi. Beyrot:1419; (19) p. 248-249,(43)11.
14. Feiz Al-Islam, M. Translation of Nahj Al-Balaghaha. Islami Pplishers. Qom: 1415; (2). p.978.
15. Ebn-e Manzor. Lesan Al-arab. Matba Dar Al Fekr. Beyrot: 1420; p. 149,235,251.
16. Kolaini, M. Forou Kafi. Dar Al-Taarif Publishers. Beyrot: 1403; (3). p. 206
17. Tusi, M. TekhzibAlahkam, First Printing, Dar Al-Ataarif, 1402 C 1
18. Qommy. The words sadidha fi musasel al-jadidah, first print, Gom: Institute of al-nashir al-Islami.
19. Mosavi Khomeini, R. Institute spreading Imam Khomeini's ideals, shielding his divine legacy. Tehran:2007 sh.21

باب اجتهاد در خصوص «جواز تشریح پیکر میت مسلمان» نیز همچون همه مباحث مستحدثه دیگر، همچنان مفتوح است و با حفظ مبانی فقه سنتی جواهری، ممکن است در آینده شاهد نظرات جدیدی در این زمینه باشیم.

#### References

1. Majlesi, M. Bahar Al-Anvar. Al-vafaInstitute .Qom: 1403; (58) p 286,333
2. Alam Al-Hoda, M. Al-Entasar. Dar Al-javamee Al-Fighhie. Jahan Publishers. Tehran:1412;168p
3. Tousi, M. Al-khelaf. EslamiPublishers. Qom: 1417; (1) 342.
4. Halabi, A. GHanie. Dar Al-javamee Al-Fighhie. Jahan Publishers. Tehran: 1412; 621.
5. Mohaghegh, J. Heli. Shraie Al-Islam. Esteghlal Publishers .Qom: 1413; (4)1049
6. Shahid Sani, Z. Masalek Al-Faham. MaarifPublishers. Qom: 1420;(12)342p
7. Najafi, M. Javaher Al-Kalam. Dar Ahya Al-tarath Al-Arabi. Beyrot: 1407; (43)384.
8. Khamenei, S A. Esteftaat . P.282
9. Mosavi Khomeini, SR. Tahri Al-vasile.Mehr press office. Qom: 1417; (2). 624-625.